

دانشگاه تابع به جای دانشگاه پیشرو!

«جبهه اصلاحات ایران» به اخراج دانشگاهیان شایسته و استقلال‌زدایی از دانشگاه اعتراض کرد

در حالی که طی ماه‌های گذشته انتشار خبرهایی درخصوص اخراج بعضی استادان دانشگاه، همزمان با نگرانی گسترده افکار عمومی و به خصوص اقشار تحصیلکرده و جامعه دانشگاهی ایران، شاهد موج گسترده انتقادی نسبت به این رویداد تلخ و دور از انتظار بودیم، حالا جبهه اصلاحات ایران نیز به جمع نهادها و تشکلهای سیاسی و غیرسیاسی پیوسته که در این مدت، نارضایتی‌شان را از اعمال این محدودیت‌ها برای دانشگاهیان اعلام کرده‌اند. این درحالی است که این جبهه سیاسی به عنوان نهاد بالادستی در جریان اصلاحات، به نحوی از مجموعه احزاب اصلاح‌طلب و چهره‌های شاخص و بزرگان این جریان سیاسی نمایندگی می‌کند. احزاب و چهره‌هایی که در این مدت، بعضاً انتقادشان به اخراج استادان را به صورت فردی یا گروهی اعلام کرده و آنچه حوالی عصر دیروز به عنوان «بیانیه جبهه اصلاحات ایران در اعتراض به اخراج دانشگاهیان شایسته و استقلال‌زدایی» ابتدا از طریق درگاه ارتباطی رسمی این جبهه و متعاقباً در بسیاری از خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری-تحلیلی منتشر شد، فراتر از آن انتقادات شخصی، بازگوکننده موضع و نگاه این جریان سیاسی بود به تحولاتی که فراتر از اخراج استادان در روزهای گذشته، در سطحی کلان‌تر در فضای دانشگاهی کشور رقم می‌خورد. چنانکه در تیترو البته متن این بیانیه نیز می‌بینیم که علاوه بر بحث خاص اخراج استادان، از معضلی صحبت شده که با تعبیر «استقلال‌زدایی از دانشگاه»، نگرانی عمیق جامعه مدنی را برانگیخته است.

به هر تفسیر اما جبهه اصلاحات ایران روز گذشته در این بیانیه، با اشاره به اخبار و فرآیندهای پراسیبی که در این مدت اخیر شاهد بودیم و همگی «در راستای استقلال‌زدایی حداکثری از دانشگاه است»، تاکید کرده که این اخبار و فرآیندها و استقلال‌زدایی ناشی از آن، «به آزادی‌های آکادمیک، مسوولیت اجتماعی و دموکراتیک نهاد علم و

کیفیت آموزش دانشگاهی در ایران لطمات سنگینی میزند و برای دلسوزان ایران و دغدغه‌مندان توسعه علمی کشور بسیار نگران‌کننده است.» جبهه اصلاحات در ادامه به برخی مواردی که در این بحث حایز اهمیت است، پرداخته و مواردی همچون جذب هیات علمی، ستاره‌دار کردن دانشجویان، انتخاب روسای دانشگاه‌ها و البته اخراج استادان را مورد تأکید قرار داده و به هر کدام به طور جداگانه پرداخته است.

جبهه اصلاحات ایران بر این اساس در بند نخست بیانیه خود آورده است: «دولت قبل حاضر به ابلاغ و اجرای مصوبه پرآسیب سال ۱۳۹۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی نشده بود، اما مطابق بخشنامه‌ای که در تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۰ رییس‌جمهوری کنونی و رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اجرای این مصوبه ابلاغ شده، هیات‌های اجرایی جذب دانشگاه‌ها در همه مراحل هفت‌گانه جذب و ارتقای اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کشور امکان مداخله و منع تداوم خدمت اعضای هیات علمی در دانشگاه را خواهند یافت. با توجه به ترکیب سوگیرانه این هیات‌های اجرایی و مبنای قرار گرفتن گزارش‌های بعضی غیرمنصفانه نهادهای امنیتی متعدد، این اختیار جدید هیات‌های اجرایی عملاً زمینه‌ساز منع استخدام طیف گسترده‌ای از شایستگان علمی و منع تداوم خدمت آنها خواهد شد، از کیفیت کادر علمی دانشگاه‌های کشور خواهد کاست، همچون شمشیر داموکلس دایمی بر سر اعضای هیات علمی در طول خدمت‌شان آزادی آکادمیک و استقلال‌شان را کم خواهد کرد و بسترساز حذف دانشگاهیان شایسته‌ای خواهد شد که با گرایش سیاسی دولت‌های مستقر همراه نیستند. براساس این رویه جدید در پی لغو تعهد خدمت هر یک از اعضای هیات علمی در هر یک از این مراحل هفت‌گانه، وی حتی امکان اعتراض و شکایت به نهادهای قضایی و حقوقی را هم نخواهد داشت.»

این جبهه همچنین در بند دوم بیانیه‌اش می‌نویسد: «در آخرین مواردی که رسانه‌ای شدند هیات‌های اجرایی جذب با انواع بهانه‌های ظاهراً اداری خدمات علمی آقایان دکتر محمد فاضلی، آرش ابازری و رضا امیدی را به ترتیب در دانشگاه‌های بهشتی، شریف و تهران متوقف کرده‌اند و احتمالاً دانشگاهیان شایسته بیشتری هم مشمول چنین حذف‌هایی شده‌اند که هنوز رسانه‌ای نشده است. به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به نظر می‌رسد تنگ‌نظری‌های شدیدتر و نوعی انقلاب فرهنگی خاموش در دستور کار قرار گرفته است. در تعدادی از پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اجتماعی کشور نیز روسای جدیدی که مورد اقبال عموم پژوهشگران و متخصصان نیستند با منع تداوم طرح‌های پژوهشی ارزشمند پیشین، سفارش طرح‌های غیرکارشناسانه جدید و فشار برای انفعال و حذف جمعی از بهترین پژوهشگران این نهادها زمینه‌ساز

کاهش کیفیت و بهره‌وری این نهادهای عمومی شده‌اند. این روند نوعی تصفیه ایدئولوژیک و استقلال‌زدایی از دانشگاه است.» اصلاح‌طلبان موضوع «انتخاب و انتصاب روسای دانشگاه‌ها» را نیز به عنوان یکی دیگر از مسائل مورد بحث مدنظر قرار داده و نوشته است: «انتخاب روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشور که در گامی ارزشمند در دولت‌های اصلاحات به رای دموکراتیک اعضای هیات علمی کشور واگذار شده بود، در ماه‌های گذشته بدون توجه به نظر دانشگاهیان و عمدتاً از اعضای بسیج اساتید و نیروهای از نظر علمی کم‌بضاعت و با گرایش‌های سیاسی خاص (که حتی همه اصولگرایان را هم پوشش نمی‌دهد) انتخاب شده و حتی لیست معاونانی که رییس منصوب‌شده، باید منصوب کند هم به او داده می‌شود. این تغییر نگران‌کننده منجر به کاهش کیفیت مدیریت دانشگاه‌ها، نارضایتی اساتید و دانشجویان، بسته‌تر شدن فضای دانشگاه و لطمه به توسعه علمی کشور خواهد شد.» این جبهه همچنین در بند چهارم آورده است: «انواع مشمولان سهمیه‌های ویژه‌پرور برای پذیرش در همه مقاطع دانشجویی افزایش یافته است، در بسیاری از موارد حتی حد نصاب‌های ضروری در نمرات برای پذیرش دانشجویان مشمول انواع این سهمیه‌ها اعمال نمی‌شود و در مصاحبه‌های پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی بعضاً به سود این دانشجویان سوگیری اعمال می‌گردد. این فرآیند به کاهش کیفیت بدنه دانشجویی و اجحاف به دانشجویان شایسته و بدون سهمیه می‌انجامد.»

جبهه اصلاحات ایران در ادامه به بحث پردامنه ستاره‌دار کردن دانشجویان اشاره کرده و نوشته است: «به‌رغم تلاش وزارت علوم دولت قبل برای رفع مسأله تاسف‌بار ستاره‌داری دانشجویان، متأسفانه در ماه‌های اخیر ذیل عناوین جدیدی همچون «نداشتن صلاحیت عمومی» یا «عدم توفیق در مصاحبه» و... تعداد رو به افزایشی از دانشجویان شایسته ولی ناهمسو با گرایش سیاسی دولت عملاً ستاره‌دار شده و از حق تحصیل در دانشگاه‌ها محروم شده‌اند که ناقض عدالت آموزشی و حقوق و آزادی‌های این دانشجویان است.» همچنین در بند ششم این بیانیه آمده است: «برای فراهم‌سازی شرایط ماندن یا بازگشت آینده‌سازان علمی کشور ضروری است سازوکارهای افزایش کیفیت آموزش در دانشگاه‌های کشور و افزایش نرخ بازگشت دانشجویانی که در خارج از کشور تحصیل خواهند کرد تقویت شوند، اما متأسفانه اکنون به جای تقویت این سازوکارها تعدادی از دانشگاه‌های پیشرو کشور به اقدامات کوتاه‌نظرانه، ناروا و نامتعارفی نظیر منع اساتید از نوشتن و ارسال توصیه‌نامه‌های علمی برای دانشجویان‌شان از ایمیل رسمی دانشگاه و پرهیز از آرایه ریز نمرات به زبان انگلیسی به دانشجویان متقاضی برای گرفتن پذیرش از دانشگاه‌های کشورهای دیگر رو آورده‌اند. چنین

اقداماتی گذشته از اینکه ناقص حقوق دانشجویان است صرفاً به افزایش نارضایتی آنها خواهد انجامید.»

جبهه اصلاحات در بند هفتم که آخرین بند بیانیه این جبهه نیز هست، به فعالیت تشکلهای دانشجویی پرداخته و با اشاره به محدودیتهای اخیر پیشروی این تشکلهای، آورده است: «در ماههای گذشته آزادی متشکل شدن دانشجویان و فعالیت نهادهای دانشجویی متکثر در دانشگاه به میزان قابل توجهی کاهش یافته و از نشاط فضای دانشگاهی کشور کاسته است. محدودیتهای شدید برنامههای تشکلهای دانشجویی در ۱۶ آذر گذشته از نشانههای این محدودیت بیشتر است.»

اصلاحطلبان بر این باورند که «اقدامات و فرآیندهای نگرانکننده و هفتگانه بالا همه میتواند به جایگزینی دانشگاه تابع به جای دانشگاه پیشرو، افزایش مهاجرت سرمایههای علمی و نارضایتی دانشجویان و کاهش کیفیت آموزش و پژوهش در ایران بینجامد و از ظرفیت ایران برای توسعه فراگیر، دانشبنیان و پایدار بکاهند.»

جبهه اصلاحات ایران بر این اساس با توجه به اقتضائات بالندگی علم و دانشگاه و توسعه در ایران خواستار تجدیدنظر فوری دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی و توقف فرآیندهای ضایعه‌بار مذکور است. این بیانیه در سطور پایانی نیز آورده است: «با عنایت به صلاحیتهای علمی هر سه استاد نام برده و نیاز دانشگاه و کشور به تداوم خدمات آنها در دانشگاه، جبهه اصلاحات ایران خواستار تجدیدنظر این دانشگاهها و پرهیز از تکرار چنین حذفهای شایسته‌ستیزانه‌ای است.»

منبع: روزنامه اعتماد 10 بهمن 1400 خورشیدی